

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ فلسفه و تصوف

یا

مناظره دکتر با سیاح پیاده

علامه علی شریعتی علی نمازی شاهرودی رحمته الله

تحقیق

مرتضی اعدادی خراسانی



انتشارات ولایت

نمازی شاهرودی، علی، ۱۲۹۲ - ۱۳۶۳.
تاریخ فلسفه و تصوف، یا، مناظره دکتر با سیاح پیاده/ علی نمازی-شاهرودی؛ تحقیق مرتضی
اعدادی-خراسانی.

مشهد: ولایت، ۱۳۹۲ ق. = ۱۳۹۲.

ص. ۳۶۴.

۹۷۸-۹۶۴-۶۱۷۲-۴۳-۲:

فیبیا

کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

کتابنامه: ص. [۲۵۳] - ۲۶۰: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

تصوف -- تاریخ

تصوف -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

عرفان -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

فلسفه -- تاریخ

اعدادی خراسانی، مرتضی، ۱۳۶۰ -

۱۳۹۲/۲۹۵BP: ۸/۵

۳۹۷/۸۶:

۳۱۶۲۵۷۰۰:

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

نشانده افزوده

بندی کنگره

بندی دیوبی

شماره کتابشناسی ملی



نام کتاب: تاریخ فلسفه و تصوف یا مناظره با سیاح پیاده

مؤلف: آیت الله العظمی سیاح پیاده/ علی نمازی شاهرودی

تحقیق: مرتضی اعدادی خراسانی

ویراستار: محمد ربانی

حروف چینی و صفحه آرایی: یوسف

نوبت چاپ: اول (قبل از این تصحیح و تصحیح دوم ده بار به چاپ رسیده است)

تاریخ چاپ: ۱۴۳۴ ق - ۱۳۹۲ ش

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

امور فنی و چاپ: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس

ناشر: انتشارات ولایت

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۱۷۲ - ۴۳ - ۲

قیمت: ۴۸۰۰ تومان

مرکز پخش: مشهد، انتشارات ولایت، تلفن: ۰۹۱۵۱۵۷۶۰۰۳

مشهد، انتشارات نور الکتاب، چهارراه شهدا نبش پاساژ گنجینه، تلفن: ۰۵۱۱ - ۲۲۲۳۱۳۰، ۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶

قم، خیابان معلم، انتشارات دارالتفسیر، تلفن: ۷۷۴۴۲۱۲ - ۲۵۳

تهران، خیابان شریعتی، روبروی ملک، خیابان شبستری، خیابان ادیبی، پلاک ۲۶، انتشارات نبأ، تلفن:

۰۲۱ - ۷۵۵۰۴۶۸۳

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾

علم و معرفت بزرگترین و بهترین نعمت الهی است که خداوند متعال آن را به بندگان صالح خویش عطا می فرماید. همه آنها را در مسیر عبودیت و کمال بندگی به سوی خود با آن یاری می کند. بزرگترین محاربندگان خدا بر خورداری آنها از این نعمت گرانسنگ است. عالمان ربانی و عارفان حقیقی بدانند هستند که در راه بندگی خدا همواره پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام را چراغ راه خویش قرار داده و از سلوک طریق علمی و عملی آنها هیچ وقت احساس خستگی به خود راه نداده و از هر طریق دیگری غیر از راه امامان معصوم علیهم السلام دوری و بیزاری می جویند.

این بنیاد با هدف احیای آثار چنین بزرگانی که در طول تاریخ ششم همواره مدافع و پشتیبان معارف اصیل و حیانی و علوم راستین اهل بیت علیهم السلام بوده اند تشکیل می یابد. امید است با توجهات خاص حضرات معصومین در این راه توفیق یا سانه باشد تا بتوانند قدم های مثبت مهمی در احیای آثار ارزشمند آن بزرگان با شرایط روز بردارند.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه تحقیق
۱۲	شرح حال مؤلف
۱۴	گزارش مباحث کتاب
۱۵	ویژگی‌های این تحقیق
۱۷	مقدمه مؤلف

[شریعت و طریقت] / ۲۱

۲۷	شریعت و طریقت و سقوط شریعت
۳۰	تنافی سقوط شریعت با حکمت شریعت
۳۳	ریاضت‌های صوفیه و منافات آن با شرایع الهی
۳۵	خانقاه کجاست؟
۳۷	کراهت شارب گذاشتن

[حقیقت وحدت وجود] / ۳۹

۳۹	حقیقت و وحدت در گفتار صوفیان و فلاسفه
۴۷	سخنان جنید بغدادی در وحدت وجود
۴۸	سخنانی از حلاج
۵۱	سخنانی از خواجه عبدالله مغربی
۵۲	سخنی از ملا عبدالرحمن جامی
۵۳	عطار نیشابوری و سخنانی درباره او

- ۵۳..... محیی‌الدین عربی و سخنان او در وحدت وجود
- ۵۶..... اشعاری از ملای رومی
- ۵۸..... اشعاری از شاه نعمت‌الله ولی و هجو آن
- ۶۲..... صدرالدین شیرازی و نظریه در وحدت وجود
- ۶۹..... کلمات فیاض و ملاهادی سبزواری در وحدت وجود

[هدف شرایع در هدایت] / ۷۳

- ۷۳..... ف. بعثت پیامبران
- ۷۴..... نزول شریعتین به‌هم آن‌ها
- ۷۷..... مکاشفات ثنائیه
- ۸۱..... پیشینه فلسفه و منطق در ایران
- ۹۱..... ترجمه کتاب‌های فلسفی یونانی

[فطری بود در معرفت خدا] / ۹۵

- ۹۵..... قرآن و نفی توحید افعالی
- ۱۰۳..... افکار بشری در معارف دینی
- ۱۰۶..... معرفت فطری خدا
- ۱۱۲..... معرفت خدا و اوصاف او در روایات

[رد بر صوفیه و فلاسفه] / ۱۲۵

- ۱۲۵..... مذمت صوفیه در روایات
- ۱۳۴..... تطبیق و تأویل در مطالب فلاسفه و عرفا
- ۱۴۷..... تفسیر به رأی
- ۱۵۱..... کتاب‌های اصحاب ائمه در رد فلاسفه و صوفیه
- ۱۵۴..... سخنانی از علامه مجلسی علیه السلام در رد صوفیه

نظر فقها در باب منکر ضروری دین.....	۱۵۹
اختلاف‌های فلاسفه قبل از اسلام.....	۱۶۳

[ضرورت رجوع به کتاب و سنت] / ۱۶۵

توضیحی درباره عقل و دلالت آن بر رد صوفیه و فلاسفه.....	۱۶۵
حقیقت علم در قرآن و حدیث و علوم بشری.....	۱۷۷
لزوم رجوع به کتاب و سنت در اصول و فروع.....	۱۹۲
معرف خدا فعل خداست.....	۲۱۴
ظهور معرفت تطری بر سختی‌ها.....	۲۲۸
برخی نظریات درباره معرفت.....	۲۳۲
اشکال‌هایی بر عالم مبدع.....	۲۳۳

فصل دوم / ۲۳۷

نمایه آیات.....	۲۳۸
نمایه روایات.....	۲۴۶
کتابنامه.....	۲۴۹
چکیده عربی.....	۲۶۰
چکیده انگلیسی.....	۲۶۲
بیان موسسه به عربی و انگلیسی.....	۲۶۳

مقدمه تحقیق

خداوند متعال پیامبر اکرم ﷺ را با بالاترین علوم و معارف برای رساندن بشر به درجات نهایی عبودیت فرستاد و او را معلم کتابی نامید که به جهت معارف ناب احسن الحدیث خواند و آن جناب اهل بیت بزرگوارش را بر تمام علوم جدیدة الهیة آن آگاه ساخت تا در تمام دوران تمسک به این راهی برای استفاده از آبشخور زلال علوم قرآنی و استفاده از چراغ هدایتش، با تبیین آن در دوران در دسترس بشر باشد.

اما دشمنان اسلام که در جهت خنثی کردن پیامبر بر اریکه اداره نظام اسلامی تکیه زدند، چون بهره‌ای از علوم و معارف قرآن نداشتند، چاره را در رویگرداندن مردم از اهل بیت و جدا کردن قرآن از ایشان ندیدند، لذا به قرائت‌های گوناگون قرآن و فصاحت و بلاغت آن و کشمکش‌های مختلف مشغول کردند و چون خود از علم و عصمت و تقوای پیامبر اکرم بی‌بهره بودند از مقام پیامبر اکرم استغناء و انحصار را در حد مجتهدی که بر اساس قیاس و استحسان از قرآن استفاده می‌کند پایین آوردند و آنگاه به بحث و جدل‌های مختلف کلامی و فلسفی دامن زدند.

بر اساس این سیاست، پول‌های کلانی صرف پرداخت به مترجمین علوم و معارف شد تا با رواج این مباحث در بین مسلمانان و مشغول کردن آنان به خصوصت‌های مختلف، بازار مخالفان معارف الهی گرم شود و مردم از نور ساطع اهل بیت بی‌بهره شوند. در نتیجه، گروه‌های مختلف معتزله، اشاعره، حشویه، مرجئه و ... به وجود آمدند و هر کدام بدون استفاده از معلمان قرآن، از قرآن برای مذهب خود استدلال آوردند. این گونه بود که کتابی که در سایه پیروی از اهل بیت ﷺ برای اتحاد بخشیدن مردم در جهت عبودیت الهی

و رسیدن به توحید حقیقی و إثارة عقول مردم نازل شده بود، در جهت تفرقه بین مردم و مجادله و دور شدن آنان از هدایت مورد استفاده قرار گرفت.

این همه در حالی است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر خلاف تمام روش‌های بشری، انسان را به معرفت فطری خود متذکر می‌گردانند و او را از هر گونه توهّم و تشبیه در راه خداوند منع می‌کنند. وقتی انسان معترف است که امکان احاطه بر خداوند ندارد، باز نیست که افکار خود را در رابطه با او جولان دهد، لذا بر اساس آگاهی‌اش بر توحید فطری، او را مباین با جمیع مخلوقات می‌یابد.

کتاب تاریخ فلسفه و تصوف یا مناظره دکتر با سیاح پیاده یکی از آثار گرانسنگ مرحوم محدّث و فقیه سید آیت الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی به زبان فارسی است که در آن با استناد به فراوانی و تردیدهای استفاده شده از کلمات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نادرستی راه‌های روش و فلسفه شری - از جمله در فلسفه و تصوف - را نموده است. به جهت تسلط بالای علامه نمازی بر معارف اهل بیت و استدلال‌های عقلی، ایشان در ضمن این مباحث به تأویل‌های محتمله و عرفا در تطبیق بافته‌های خود بر الفاظ قرآن و احادیث تحمیل کرده‌اند، نیز پاسخ داده است. شایسته است پیش از اشاره به محتوای این کتاب، گزارش کوتاهی از شرح حال و ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه‌های معارفی مؤلفش طرح گردد.

شرح حال مؤلف^۱

آیت الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری و در خانواده‌ای مذهبی و اهل علم به دنیا آمد. پدر ایشان مرحوم حاج شیخ محمد بن اسماعیل نمازی شاهرودی از علمای به‌نام شاهرود بود که اجازه اجتهاد خود را از مرحوم سید ابوالحسن

۱. شرح حال کامل‌تر و معرفی آثار مرحوم آیت الله علامه حاج شیخ علی نمازی شاهرودی در مقدمه کتاب اثبات ولایت که جلد دیگر این مجموعه آثار فارسی ایشان است، آمده است.

اصفهبانی و مرحوم فیروزآبادی گرفته بود و تألیفات سودمندی از ایشان به یادگار مانده است.

مرحوم حاج شیخ علی نمازی که از استعداد بی نظیر و پشتکار خستگی ناپذیری برخوردار بود، از کودکی نزد پدر و دیگر اساتید آن سامان به تحصیل سطوح همت گماشت و در نوجوانی افزون بر گذراندن سطوح عالی، حافظ قرآن نیز گشت.

ایشان پس از فراگیری سطوح مقدماتی و عالی در شاهرود، رهسپار حوزه پربرکت آن زمان حران در مشهد شد و از محضر عالمان بزرگ آن دیار بهره‌مند گردید.

مهم‌ترین ویژگی تحصیلی مرحوم حاج شیخ علی نمازی، کسب فیض از محضر مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهبانی در فقه، اصول و معارف بوده است. ایشان تا زمان رحلت این استاد برجسته مدتی را در محال کمال استفاده را از محضر وی می‌نماید و ضمن آشنایی کامل با مبانی معاری، فقهی و اصولی ایشان به ترویج این مبانی همت می‌گمارد. پس از رحلت مرحوم میرزا مهدی اصفهبانی، ایشان رهسپار نجف اشرف می‌شوند تا در کنار مرقد مولایشان از عالمان آن حوزه بهره‌مند شوند و پس از مدتی به مشهد بازگشته، مشغول تدریس و تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام می‌گردند. این عالم بزرگوار همواره مورد تکریم اهل فضل بود و همت خود را صرف تدریس تربیت طلاب و نشر معارف و حقایق ناب تشیع می‌کرد.

مرحوم علامه نمازی از حافظه قوی برخوردار و تلاش و پشت‌پوشی بی‌نظیری بود. ایشان افزون بر آشنایی با علم تاریخ، علوم غریبه، طب قدیم، ریاض، فلسفه، جامعه‌شناسی، زبان عربی و فرانسه و حفظ کامل قرآن، توجه ویژه‌ای نیز به روایات و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام داشته، به گونه‌ای که پنج بار مجموعه بحارالانوار را به‌طور کامل مطالعه و بررسی کردند که حاصل این پژوهش ده جلد کتاب ارزشمند مستدرک سفینه البحار و هشت جلد مستدرکات علم رجال الحدیث گردید. ایشان همچنین چندین بار کتب اربعه، الغدير، احقاق الحق و سایر کتب روایی را به صورت عمیق مطالعه نمودند که حاصل آن ده‌ها جلد کتاب ارزشمند و ماندگار بوده است.

این عالم با تقوی و مجاهد خستگی‌ناپذیر که به اخلاق عملی و تقوای الهی مزین بوده و آثار قلمی فراوانی از خود به یادگار گذاشت، سرانجام در شب دوشنبه دوم ذی‌الحجه ۱۴۰۵ هجری قمری، مصادف با ۲۸ مرداد ۱۳۶۴ هجری شمسی در مشهد دیده از جهان فرو بست و به دیدار معبود شتافت. پیکر پاک و مطهر این عالم بزرگ باشکوه تمام تشییع و در حرم رضوی آرام گرفت.

رابطه مباهات کتاب

کتاب فضایل پیش و پاسخ سامان یافته، تا پژوهشگر حق‌جو به راحتی حق را از باطل تشخیص دهد. در این مباحث کتاب در شش بخش تبویب شده است:

در بخش نخست با عنوان شریعت و طریقت، روش صوفیه و ریاضت‌های ایشان در تلقی حقایق مطرح شده و تقابل آن با روش دین اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم به بررسی حقیقت وحدت وجود می‌پردازد. در این بخش از حقیقت وحدت وجود نزد صوفیه و فلاسفه سخن به میان آمده، و سخنان بزرگان این دو مکتب در این رابطه و شواهدی بر مدعایشان از اشعار و کتب ایشان مطرح شده است.

بخش سوم روش شریعت را در هدایت بشر به هدف بعثت پیامبران الهی و روش آن‌ها در هدایت انسان‌ها و تبیین روش فلاسفه و عرفا اشاره شده است. همچنین از برخی مکاشفات شیطنانی صوفیه و روش فلاسفه و عرفان در یونان سخن به میان آمده است.

موضوع بخش چهارم کتاب معرفت فطری خداست. در این بخش معبود بودن انسان در افعال اختیاری خود نقض شده و به فطری بودن معرفت خدا و انصاف او در آیات و روایات اشاره شده است و چگونگی رواج افکار بشری در معارف دینی بیان شده است.

بخش پنجم کتاب در رد فلاسفه و صوفیه نگاشته شده، و در آن بر مذمت صوفیه در روایات، تأویلات آنان نسبت بر آیات و روایات و همچنین تحمیل افکار یونانی بر آیات و روایات بیان شده است. اختلافات فلاسفه قبل از اسلام و رد علامه مجلسی بر صوفیه

و کتاب‌هایی که اصحاب ائمه در رد فلاسفه نوشته‌اند نیز در این بخش مطرح شده است. بخش پایانی کتاب به ضرورت رجوع به کتاب و سنت در تمام معارف دینی اختصاص دارد. در انتها نیز فطری بودن معرفت خدا، منشأ پیدایش معرفت فطری خدا در عوالم سابق و بررسی برخی از نظریات راجع به عالم ذر مطرح شده است.

ویژگی‌های این تحقیق

این کتاب برشمند در زمان حیات مؤلف و پس از فوت ایشان بارها چاپ شده و مورد استقبال قرار گرفته است. پس از ایشان نیز به اهتمام فرزند گرامیشان با اصلاحاتی و چیدمانی که توسط انتشارات نیا به بازنویسی استاد محمد بیابانی اسکویی صورت گرفته بود به چاپ رسیده است. آنچه در این تحقیق مورد اهتمام بوده به این شرح است:

- ۱- تکمیل تبویب مطالب متناسب با محتوای آن؛
 - ۲- مدرک‌یابی موارد ناقص و فاقد مدرک؛
 - ۳- اضافه کردن کتاب‌نامه و نمایه‌ایات و اضافه کردن به انتهای کتاب؛
 - ۴- افزودن ترجمه عبارات عربی به پاورقی (بیشتر ترجمه‌های موجود در پاورقی از نسخه‌ای اقتباس شده که به همت فرزند مؤلف به چاپ رسیده است)؛
 - ۵- ویرایش متن کتاب.
- امید است جویندگان حق با مطالعه دقیق این کتاب و دیگر آثار علامه‌نمازی از دانش فراوان و قلم شیوای آن عالم ربانی به نحو شایسته بهره‌مند گردند.

جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ شمسی

مصادف با ۲۶ جمادی الثانیة ۱۴۳۳ قمری

مرتضی اعدادی خراسانی

قم مقدسه

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يحس ولا يحس ولا يحس ولا يدرك بالحواس الخمس ولا يقع عليه الوهم ولا تصفه الألسن، فكل شيء حسته الحواس أو حسته الحواس، أو لمسته الأيدي فهو باطن فوق موصوف مُدرك محدود، له شبيه ونظير، قابل للزيادة والنقصان والتغير والتبدل، الخالق لا يكون محاطاً ولا مخلوقاً ولا مدركاً ولا محدوداً، لا يتغير ولا يتبدل، ولا يفسد ولا يبا وصف به نفسه، وأني يوصف الذي تعجز الحواس أن تدركه، والأوهام أن تنال من الخطرات أن تحده، والأبصار عن الإحاطة به، لأنه الذي أعجز الأوهام أن تنال وجوده، وحجب العقول عن أن تتخيل ذاته، فكلما قدره العقول والأوهام، أو تدركه الأبصار والأفهام فهو مقدر معقول مفهوم متناه وهو غيره تعالى، وغيوره تحديد لمساواه، لا يتغير الله بغير ميار المخلوق كما لا يتحدد بتحديد المحدود، مشيء الأشياء و مكون الأكوان فلا شيء ولا يكون إلا وهو قائم به و كائن له ومحقق به، فالموجودات كلها كائنات مختلفات مؤثرات ومتأثرات به لا معه، وهو تعالى في مكان الألوهية والربوبية، خلو من خلقه و خلقه مخلوق به، لا هو في مرتبتهم، ولا هم في مرتبته لأن مرتبته تعالى مرتبة الألوهية والربوبية والمسيحية والقيومية، ومرتبة خلقه المخلوقية والمحدودية والمربوبية والمحاطية فلا يجري عليه ما هو جار في خلقه ولا يوصف بما يوصف به خلقه، وكلما في المخلوق لا يوجد في خالقه وكلما يمكن فيه يمتنع من صانعه، فهو مقدس ومتعال ومنزه عن مجانسة خلقه وأفعال عبادته، وأثار العقول في بيوت القلوب حجة وبرهاناً على قدسه وتنزهه لوضوح تنزه العقول وتقديسها عن مجانسة معقولاتها وصفاتها وحالاتها، وما يجري من المكارة

علیها، فکذلک ربّ العزّة وربّ العرش و ربّ العقول، فهي الآیة العظمی والمثل الأعلى للعلی القدوس المتعال وتبارک الذي نزل الفرقان على عبده، ليكون للعالمین نذیراً وبشیراً وسراجاً منیراً، أنزله بعلمه وجعله هداية لأنامه، وأوجب أتباعه وأوعد على ترك الإقتداء والإهتداء به، فمن جعله أمامه ومقتداه هداه إلى صراط مستقیم، ومن طلب الهدی والعلم من غیره أضلّه الله عن السبیل القویم، إذ لم یدخل من الباب الذي فتحه الله لخلقه، ولم یأت مدينة العلم من أبوابها، واعتمد علی الآراء والأفکارو المقال البشريّة، وطلب العلم والکمال من طریق الفلسفة والتصوّف و أیّم الله أنّها طریقاً ضلالاً و بطلاناً الوبال.

والصلاة والسلام علی أفضل خلقه باب الله القویم و صراطه المستقیم، وسبيله المقیم محمد وآله الطیبین الطّاهرين الذين جعلهم الله تعالى خزاناً لعلمه وحملّة لکتابه، لیخرجوا الناس من الظلمات إلى النور، فمن سلك سبيلهم هدی إلى صراط الحمید، ومن تركهم فالشیطان له قریبٌ علیهم، فاحترقوا بالقرآن لا یفترقان إلى یوم القيامة، وهما خلیفتا رسول الله ﷺ، والثقلان المستقیمین، لئلا یجب علی الأمة التمسک بهما معاً. واللعنة الدائمة علی أعدائهم ومعانديهم والمنحرفین عنهم إلى یوم الدين.

اما بعد، واضح و آشکار باشد بر برادران ایمانی که در باب علوم دینی که این کتاب، با نام تاریخ فلسفه و تصوّف، کتابی است کاشف از اسرار و حقایق صوفیان و مبین عقیده فاسد آنان؛ چنان که به وضوح بیان می دارد مقالات مدعیان مکاتب و مذهب (اهل تصوف) با آراء فلاسفه مسلک عرفان فرقی ندارد و آن که نتیجه هر دو طریق یکی است و هر دو آنان نظریات خود را از پیشینیان قبل از مسیح علیه السلام گرفته اند.

اینان هیچ ربطی به هیچ شریعتی ندارند و به دروغ، خود را منتسب به شرع می نمایند؛ حال آن که تمام شرایع الهی و علوم و معارف ربوبی مخالف و مبین با طریق آنان است و تمام قرآن و روایات و خطب و دعاها و عقل و فطرت حکم می کند بر فساد و بطلان آن. فیا إخوانی، اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم، و لا تتبعوا من دونه أولیاء، و اسمعوا و اعقلوا أن تقولوا یوم القيامة: لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر.

أو تقولوا: ربنا إنا أطعنا سادتنا و كبراءنا فأضلونا السبيلا أو تقولوا: تالله إن كنا لفي ضلال مبين، إذ نسويكم برب العالمين، قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين. وهو بيان وهدى وحكمة من ربكم، يحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون، ولا تتبعوا أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا وضلوا عن سواء السبيل، وكونوا من أولي الأبواب الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه، وهذا هو الحق من ربكم، فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر، وما علينا إلا البلاغ المبين، وإنا لنعلم أن منكم مكذبين ولقد جئناكم بالبين ولكن أكثركم للحق كارهون، وهم الذين لا يعلمون علم القرآن ولم يستضيئوا بنور الفتن، إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله، قالوا بل نتبع ما أفينا عليه آبائنا إن يتبعون إلا السنن، وما تهوى الأنفس، ولقد جئهم من ربهم الهدى، فمن تبع هدى الله فلا يضل ولا يفتر، ومن تركه فإنما يحمل يوم القيامة وزرا، فورب السماء والأرض إن هذا لحق مثل ما أنكم تنطقون، ما كان حديثا يفترى، ولكن تصديق الذي بين يديه، فماذا بعد الحق إلا الضلال، ولقد نصرفون وأنى توفكون.

يا أيها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان، واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا، واعلموا أنكم ستتم على شيء حتى تقيموا التوراة والإنجيل وما أنزل إليكم من ربكم، ولا تكونوا ممن ياتى الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير، ومن أظلم ممن ذكر بآيات ربه فأعرض عنها، ولا يهاكون إلا أنفسهم وما يشعرون والسلام على من اتبع الهدى، وخالف النفس والزمان.

على نمازی شبانه